

مصلح پیدادگر

اشاره:

سید جمال الدین اسد آبادی در سال ۱۲۱۷ ش در خانواده‌ای روحانی در محله امام زاده احمد، اسد آباد همدان، دیده به جهان گشود. پدر بزرگوارش عالم جلیل القدر به نام سید صفدر بود که بزرگ سادات سید حسینی آن سامان بود. سید جمال الدین از پنج سالگی آموزش قرآن و مقدمات عربی را در نزد پدر و مادرش که زنی با سواد و صاحب کمال بود، آغاز کرد. پدر با مشاهده نبوغ سرشار فرزند، تصمیم می‌گیرد او را به یکی از مراکز علمی ببرد تا ادامه تحصیل دهد. پس از این واقعه، او را به حوزه قزوین می‌آورد. در این شهر سید جمال حتی روزهای تعطیل هم به تحصیل می‌پردازد. پس از دو سال اقامت در حوزه قزوین، به اتفاق پدر به تهران می‌رود. پس از ورود به تهران در درس عالم بزرگ سید صادق طباطبائی شرکت می‌کند. در قسمتی از درس، سید جمال از استاد درخواست می‌کند دوباره عبارتی را توضیح دهد. وقتی آن عالم بزرگ به قیافه بسیار جوان او نگاه می‌کند به او می‌گوید: این فضولی‌ها به تو نیامده است. سید جمال در پاسخ متواضعانه می‌گوید: تقاضای فهمیدن مسایل علمی فضولی نیست و دانستن و بهره‌مند شدن از علوم نیز به بزرگی و کوچکی ربطی ندارد. سپس شروع می‌کند به ترجمه شرح حدود دو صفحه از کتابی که استاد مشغول تدریس آن بود. مرحوم طباطبائی از دیدن آن همه توانمندی و تیزهوشی، بیان نافذ شگفت زده می‌شود و سید جمال را در آغوش می‌گیرد. لباس روحانیت را به او می‌پوشاند. پس از چندی سید جمال عازم عتبات می‌شود. در نجف اشرف در درس شیخ مرتضی انصاری، که سرپرستی حوزه نجف را عهده دار بود، شرکت می‌کند. شیخ هم با دیدن سید جمال و آگاه شدن از نبوغ و استعداد فوق العاده او عهده دار هزینه تحصیل وی می‌شود. وی در طی چهار سال، علاوه بر شرکت در درس‌های شیخ انصاری از محضر استادان به نام آن عصر نظیر ملاحسینقلی همدانی شرکت کرده و در مدت زمان کوتاهی به مراتب والای علمی نایل می‌آید و به اخذ درجه اجتهاد از استادش شیخ انصاری موفق می‌شود. سید جمال در حالی که شانزده سال بیش تر نداشت، از عتبات خارج می‌شود. نخست به بمبئی و به کشورهای مختلف از جمله هند، افغانستان، مصر، ترکیه و ایران سفر می‌کند و دست به مبارزات سیاسی می‌زند. سرانجام پس از عمری مبارزه سیاسی در ۱۹ اسفند ۱۲۷۵ او را به شهادت رساندند. و اینک در کابل مقبره او زیارتگاه عاشقان اوست.



نهضت اصلاحات سید جمال

اهداف نهضت اصلاحی سید جمال

سید جمال الدین اسد آبادی پس از بررسی و مطالعه اوضاع جهان عصر خویش به این حقیقت پی می‌برد که امت اسلام در نتیجه جهل و نا آگاهی و بی توجهی به احکام و تعالیم و ارزش‌های اسلامی از یک سو، گرفتار شدن به حکومت‌های خودکامه و مستبد از سوی دیگر و نیز به دلیل توطئه‌های گوناگون استعمارگران، که در صدد سلطه بر منابع و ذخایر کشورهای اسلامی هستند، از اوج عظمت و اقتدار سقوط کرده و راه انحطاط و عقب ماندگی را سیر می‌کند. وی از مشاهده وضع به شدت متأثر شده و تصمیم می‌گیرد تا از طریق بیدار سازی مردم مسلمان، به مبارزه با دشمنان و تجدید حیات دوباره اسلام بپردازد. سید مجموعه فعالیت‌های خود را برای تحقق اهدافی که در نظر داشت، در چند محور

ذیل متمرکز نمود.

الف: بازگشت به اسلام

سید جمال علت گرفتاری‌های جهان اسلام را فاصله گرفتن از تعالیم راستین اسلامی و گرفتار آمدن به عقاید خرافی می‌دانست و در این باره می‌گوید: مسلمانان نخستین با این که اندک بودند، ولی در نتیجه عمل به تعالیم حیات بخش اسلام در مدت یک قرن از جبال آلپ تا دیوار چین پیش رفتند و خسروان ایرانی و قصران رومی را به خاک مذلت نشاندند و با اخلاق کریمه خود، در اندک زمانی صد میلیون غیر مسلمان را به اسلام جذب کردند.^(۱) وی پس از توصیف وضع مسلمانان نخستین و مقایسه آن با وضع مسلمانان زمان خود، راه نجات امت اسلامی را در بازگشت به اسلام و عمل کردن به تعالیم آن

می‌داند و شیوه درست بازگشت به اسلام را در معرفی چهره حقیقی اسلام و از بین بردن بدعت‌ها و خرافاتی که با احکام و ارزش‌های اسلامی در آمیخته است، می‌داند.

ب: ایجاد وحدت

سید علت پیشرفت مسلمانان را در طول تاریخ، علاوه به تمسک بر تعالیم عالیه اسلام، در سایه برخورداری از اتحاد و همبستگی می‌دانست. در مقابل، شکست و عقب افتادگی آنان را نتیجه طبیعی گرفتار شدن به تشقت و تفرقه معرفی می‌کرد. وی می‌نویسد: اتحاد و همبستگی برای تقویت ولایت اسلامی از قوی‌ترین ارکان دیانت محمدی و عقیده به آن، از ابتدای ترین عقاید در نزد مسلمانان است که در آن، احتیاج به استادی که آن را تعلیم بدهد و یا کتابی که آن را ثابت



گساری می‌نماید. با کفار دوستی می‌ورزد با مردم نیکو کار دشمنی می‌کند... زمام امور ملت را یک جا به دست دشمنان اسلام داده و مسلمانان را بنده آنان نموده و سلطنت و آقایی کفار را بر آنان داد... نصف دیگر مملکت را هم به عنوان حق السکوت به دولت روسیه داده...^(۵)

د. مبارزه با استعمارگران

سید پس از شناخت ابعاد گوناگون استعمار جدید، به مبارزه همه جانبه با آن برخاست. احمد امین مصری می‌نویسد: او می‌کوشید تا کشورهای اسلامی را از زیر بار سلطه اروپاییان و استعمار بیگانگان نجات دهد.^(۶)

سید جمال در راستای مبارزه با استعمار کارهای زیادی انجام داده است. وی در مرحله اول تلاش کرد چهره واقعی استعمارگران را و ترفندهایی که به کار می‌برند، برای مسلمانان بشناساند. آن گاه این هشدار را به آنان داد که اگر زود نجنبند تمام سرزمین اسلامی و منابع و ثروت‌های آنان را متصرف خواهند شد.

وی در مورد راه بر طرف ساختن شر استعمار انگلیسی می‌گوید: راهی جز توسل به زور و نبرد مسلحانه وجود ندارد، چون استعمار جز زبان زور نمی‌فهمد، بر این اساس، از جمله وی امور زیر را در روند مبارزه با بیگانگان مورد توجه قرار می‌داد:

- دمیدن روح خود باوری
- تأکید ضرورت احیا مجدد عنصر جهاد و مبارزه
- پافشاری به غیرت دینی و تعصب دینی.
- مبارزه با غرب زدگان.

بخشی از فعالیت‌های سید جمال مبارزه با غرب‌گرایان اختصاص داشت. این گروه بر اثر فریفتگی به ظواهر تمدن غربی یا به جهت مرعوب شدن درباره پیشرفت‌های صنعتی آن به تمام اصول اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی جامعه خود پشت کرده بودند و به ترویج و اشاعه فرهنگ و آداب رسوم هر چند مبتذل غربی می‌پرداختند. سید با این قبیل افراد نیز به معارضة برخاسته بود. به قول استاد شهید مطهری: یکی از امتیازات سید جمال این بود که، با این که او به اصطلاح یک مرد تجدد گرا بود و مسلمانان را به علوم و فنون جدید و اقتباس تمدن غربی می‌خواند و با بی سواد و بی خبری و عجز فنی و صنعتی مسلمانان به پیکار برخاسته بود. متوجه خطرهای تجدد گرایی‌های افراطی بود. وی می‌خواست مسلمانان علوم و صنایع غربی را فرا گیرند. اما با این که اصول تفکر مسلمانان یعنی جهان بینی آنها جهان بینی غربی گردد و جهان را با همان عینک ببینند که غرب می‌بیند مخالف بود...^(۸) مبارزه با اندیشه‌های سید احمد خان

بسازد و یا رساله‌ای که آن را نشر کنند ندارند و رعایای مسلمان، گذشته از افراد مستکبر آن از این که ملت را تشتت آرا و خواسته‌های متفاوت است غم و اندوه فرا گرفته است و از چشم هایشان اشک جاری است. اگر وجود امرای گمراه، که اهل طمع در سلطه‌اند در میان نبود، شرقی آن با غربی و شمالی آن با جنوبی جمع می‌شد و همه یکسر ندای واحدی را لبیک می‌گفتند.^(۲)

آن گاه در انتقاد از وضع موجود می‌گوید: گویا مسلمانان با هم متحد شده‌اند که متحد نشوند، با آن که اگر دست اتحاد بدهند و نیروهای خویش را در یک خشم مقدس علیه بیگانگان بسیج کنند، بزرگترین قدرت‌ها را از مقاومت باز می‌دارند.^(۳)

آن گاه پس از رد مسائلی چون نژاد پرستی و قوم گرایی و... اتحاد حول محور مکتب را مهم‌ترین راه حفظ انسجام جوامع اسلامی دانسته و هشدار می‌دهد: خداوند هیچ قبیله‌ای را هلاک نساخته، مگر پس از این که به تفرقه گرفتار شدند و به نفاق مبتلا گشتند که موجب ذلت طولانی و عذاب سخت و فنانی سرمدی آنان گردید.^(۴)

ج: مبارزه با استبداد داخلی

سید جمال به این حقیقت پی برده بود که وجود حکومت‌های خود کامه و مستبد در جوامع اسلامی یکی دیگر از عوامل مهم انحطاط مسلمانان است؛ چرا که این قبیل حکومت‌ها تنها به خوش گذرانی، بر آورده شدن خواست‌های نفسانی خود اهمیت می‌دهند اما این که مردم چه مشکلاتی دارند و بیگانگان چگونه به تاراج سرمایه‌های مسلمانان می‌پردازند، نه تنها توجهی نداشتند بلکه خود آنان از جمله عوامل فراهم کننده زمینه غارت بیش تر ذخایر ملت‌ها بودند. سید جمال در مورد زبان‌های حکام مستبد می‌گوید: حاکم مستبد ملت را با تصرفات خود در پرتگاه تباهی سقوط قرار می‌دهد و پرده جهل بر چشم‌های آنان می‌کشد و حوادث فقر و گرسنگی را به بار می‌آورد و در سلطه خود از جاده عدل خارج می‌گردد... نظام مختل و اخلاق فاسد می‌گردد و صدای ملت را کسی نمی‌شنود... وی در توصیف اعمال ناصرالدین شاه قاجار می‌نویسد: پیشوای بزرگ، پادشاه ایران سست عنصر و بد سیرت گشته، مشاعرش ضعیف شده، بد رفتاری را پیش گرفته، خودش از اداره کشور و حفظ منافع عمومی عاجز است. بنابراین، زمام کار را به دست مرد پلید بدکار و پستی داده که در مجامع عمومی به پیغمبران بد می‌گوید... از اروپا که برگشته پرده شرم را پاره کرده و خود سری را پیش گرفته و بی پرده باده



هندی در این راستا بود. حتی رساله نیچریه را به انگیزه رد دیدگاه‌های مادی گرایانه رایج آن دوره به نگارش در آورد تا زمینه غرب‌گرایی در تفکرات و جهان بینی و اصول ارزشی از بین ببرد...

علاوه بر، این سید جمال برای پی‌گیری اهداف نهضت خود امور زیر را نیز تعقیب می‌کردند:

- تبیین و تشریح حقیقت احکام و معارف اسلامی برای اندیشمندان غربی و پاسخ به شبهات آنان در زمینه مسایل اسلامی، که پاسخ به مطالب کنفرانس معروف ارنست رنان فیلسوف شرق شناس نامدار فرانسوی از جمله آنهاست. در ضمن آن به چندین نظریه ناصواب ایشان پاسخ داد که ارنست رنان با تواضع پس از شنیدن پاسخ‌های سید جمال گفت: با شیخ جمال الدین تقریباً دو ماه پیش آشنا شدم و اثری که از او در دوران من باقی ماند، جز از معدود اشخاص میهن در ذهن من باقی نمانده است. به هر حال، او به شدت مرا تحت تأثیر قرار داد... هر وقت من با او هم صحبت می‌شوم... چنین خیال می‌کنم که گویی با یوعلی سینا یا ابن رشد... روبرو می‌شوم.

- گفت و گو با سیاستمداران انگلیس و اروپا: سید به شیوه‌های گوناگون با سیاستمداران مؤثر اروپایی از جمله انگلیسی به گفت و گو می‌نشست تا بلکه آنان را از طریق مذاکره و... از دنبال کردن اهداف استعمارگرانه شان باز دارد. در این راستا، یکی از کارهای او عبارت است از: نوشتن نامه‌ای به ملکه انگلیس. وی در ضمن این نامه، تلاش می‌کند تا از حمایت دولت انگلیس از حکومت قاجار بکاهد. به ملکه انگلیس هشدار می‌دهند که اگر از استبداد قاجار دولت انگلیس پشتیبانی کند، مردم ایران آنان را در جنایات حکومت سهیم خواهند دانست...

- استمداد از علمای دینی: سید با توجه به جایگاهی که بویژه علمای شیعه در نزد مردم داشتند، همواره از آنان درخواست می‌کرد که ضمن انجام وظیفه دینی‌شان در راستای برطرف ساختن مشکلات مردم و خشنی کردن توطئه‌های دشمن، بیش از پیش وارد میدان شوند.^(۹)

در نامه‌ای به آیه الله میرزای شیرازی می‌نویسد: حق را باید گفت. تو رئیس فرقه شیعه هستی. تو مثل جان در تن همه مسلمانان دمیده‌ای، هیچ کس جز در پناه تو نمی‌تواند برای نجات ملت برخیزد و آنها به غیر از تو اطمینان ندارند. اگر برای گرفتن حق قیام کنی همه به پشتیبانی تو برخاسته، آن گاه افتخار و سر بلندی نصیب شان خواهد شد...^(۱۰)

- بهره برداری از رقابت بیگانگان: وقتی سید متوجه شد که کشورهای استعماری نظیر روسیه، انگلیس، فرانسه و... در دستیابی به منابع و ذخایر کشورهای اسلامی با هم رقابت دارد، تلاش نمود تا شاید از طریق مشغول ساختن آنها با یکدیگر در حدی که امکان دارد آنان را از تحقق بخشیدن به نقشه‌ها و توطئه‌های شومی که بر علیه جوامع اسلامی دارند باز دارند...

- تربیت شاگرد، نوشتن کتاب و منتشر ساختن نشریات...

از دیگر کارهای سید جمال الدین، تربیت و آموزش جوانان جامعه اسلامی است که شاگردانی چون محمد عبده - اقبال لاهوری از جمله آنهاست. علاوه بر آن انتشار چندین نشریه که در ضمن آنها، بیان دیدگاه‌ها و روشنگری‌های لازم از توطئه‌های دشمنان پرده می‌داشت. که معروفترین نشریه ایشان عروة الوثقی بود که در پاریس آن را منتشر می‌ساخت. یکی دیگر از کارهای سید جمال، نوشتن کتاب بود که از آن طریق نیز به پیشبرد اهداف خود می‌پرداخت. پی نوشت:

۱. رساله نیچریه، ص ۵۱ و ۵۲.
۲. کزیده عروة الوثقی، ص ۹۳.
۳. سید جمال الدین اسد آبادی، بنیان گذار نهضت احیاء فکر دینی، ص ۱۵۱.
۴. کزیده عروة الوثقی، ص ۹۸.
۵. سید جمال الدین غریب بیداری، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.
۶. زعماء الإصلاح فی العصر الحديث، ص ۱۰۵، ۱۰۶.
۷. تاریخ الافغان، ص ۶۱.
۸. نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۱۸.
۹. زندگی و سفرهای سید جمال الدین، ص ۲۵ و ۲۲.
۱۰. سید جمال الدین غریب بیداری، ص ۱۴۱.

مریم راهی

کویر

زمین گرم و سوزان است. جامه‌ای پوشیده است از شن‌های ریز هراس‌انگیز و در کمین آب، نسیم پیغام آور را پشت تپه‌های خاکی نگه داشته است. هیچ جنبنده‌ای نمی‌توان یافت جز خود کویر و هیچ صدایی نمی‌توان شنید جز صدای عطشناک دل خاک، که چون پای بر سر و رویش گذاری چون نمکی می‌مانی که بر زخم کهنه‌اش می‌نشینی. کویر نه چیزی می‌خواهد و نه چیزی می‌گوید و این اندکی ترس آور است. دل صبورش منتظر چیزی است. رخدادی که شاید در قلب تاریخ هم ننگند، شاید حادثه‌ای، انتقامی و شاید طلوعی. هر چه هست او می‌داند و چین و چروک‌های گاه‌گاه صورتش و آن باد شرقی که صبحگاهان چون کبکانی خرامان بر سینه کویر گرم می‌وزد و شن‌های سبک بی سرنوشت را از سووی بلند می‌کند و در سووی دیگر می‌نشاند و شن تنها طرفدار مصوم باد است که هر جا او اراده کند، می‌رود و بر سر هر که او بخواهد می‌نشیند. نسیم که نیست، همان باد بهتر است. بادی که بوی خشک بیگانگی می‌دهد، آشنا نیست ولی چون آشنایان بر سر سجاده صحرا، زانو می‌زند و در جوار آن تپه‌های خم شده تسبیح ترک خورده سینه کویر را به دست می‌گیرد و به اطراف نگاه می‌کند. گاهی خم می‌شود و هوای صاف کویری را چون تیرگی ابهام پر از گرد و خاک می‌کند و گاه به بالا نظر می‌اندازد و مشت‌ش و ماسه را به هوای می‌برد و در همسایگی آسمان لحظه‌ای درنگ و آن پس بر زمینشان رها می‌کند.

حال این کویر را اهل این کویر می‌داند و اهل این کویر.

صبح‌ها خورشید زرین آسمان نقاب از چهره نورانی‌اش که بر می‌دارد تا به جهانی نو سلامی گوید کویر هم بیدار می‌شود. تپه هم بیدار می‌شود. طفل زندگی به دور تا دور کویر می‌چرخد و به همه زندگی می‌بخشد جز به کویر که دیروزش امروز را ربوده است و به دنبال یادگار دیرینه می‌گردد. قصه کویر را باید از مرد کویر شنید و اکنون مرد کویر به دنبال

